

«شب‌های برره» بدون شک یکی از مهم‌ترین آثار کمدی تاریخ تلویزیون است که در برخی گزارش‌های رسانه‌ای به عنوان سیتکام معرفی شده اما با وجود تعدد لوکیشن‌های سریال، فیلمبرداری بخش زیادی از سریال در محیط‌های باز غیراستودیویی و تعداد بالای شخصیت‌های فرعی تفاوت‌های بسیاری نسبت به یک سیتکام تلویزیونی دارد



مروری بر چند سریال ایرانی که در گو

طنز موقعیت ایرانی

حسین مبارکی
خبرنگار

«سیتکام» یکی از گونه‌های پرطرفدار سریال‌سازی در جهان است. گونه‌ای که تا به امروز سریال‌های پر مخاطبی همچون «دوستان»، «آشنایی با مادر»، «بیگ‌بنگ تئوری»، «اداره»، «زیاد ذوق زده نشو»، «خانم میزل شگفت‌انگیز» و... در قالب این گونه خاص تولید شده‌اند. سیتکام‌ها همچون همه گونه‌های نمایشی، تعریف خاص خود را دارند. سیتکام، مخفف Situational Comedy یا کمدی موقعیت است؛ پس اساساً وقتی از سیتکام صحبت می‌کنیم، منظورمان اثری است که ذیل قالب کمدی موقعیت قرار بگیرد. سیتکام‌ها معمولاً در یک محیط بسته و محدود مثل خانه، اداره یا کافه در جریان است و لوکیشن‌های محدود و گاهی غیرواقعی دارد و در برخی موارد نیز همراه شنیده شدن صدای خنده تماشاگران است؛ البته که

این چند نفر



قصه «این چند نفر»، قصه یک خانواده مجنون بود! همین خط روایی کوتاه، زمینه‌ساز ساخت یکی از کمدی‌های پر مخاطب شبکه سه سیما در سال‌های پایانی دهه ۷۰ شد؛ مجموعه‌ای که اغلب بخش‌های آن در محیط بسته یک خانه و با حضور چند شخصیت محدود روایت می‌شد. این مجموعه تلویزیونی روایت چهار برادر با بازی مهران غفوریان، بیژن بنفشه‌خواه، رضا شفیعی جم و ارژنگ امیرفضلی است که از قضا همه هژیر نام دارند و در کنار خواهرشان شیرین با بازی فلامک جنیدی در یک خانه زندگی می‌کنند. عمو خسرو با بازی مهران غفوریان هم که پیرمرد بانمک است، در بعضی قسمت‌ها در جمع این خانواده حاضر می‌شود. این چند نفر هم در زمره سیتکام‌های تلویزیونی قرار می‌گیرد که البته اقبال مخاطبان نسبت به آن به اندازه پاورچین و بدون شرح نبود اما در زمان پخش در زمره آثار پر مخاطب به شمار می‌آمد.

پاورچین



«پاورچین» را می‌توان از معدود سریال‌های تلویزیونی ایرانی دانست که از منظر شکل ظاهری شباهت بسیاری به تعریف قالب سیتکام دارد؛ هر چند که در گاهی از موارد از این گونه نمایشی فاصله می‌گرفت. پاورچین همچون همه سریال‌های سیتکام که شخصیت‌هایی معمولاً ثابت دارند و از هر اپیزود، به اپیزود دیگر منتقل می‌شوند؛ شخصیت‌هایی محدودی دارد که بازیگرانی همچون مهران مدیری، جواد رضویان، سیامک انصاری، سحر زکریا، شقایق دهقان، سحر ولدبیگی و سعید پیردوست ایفاگر نقش‌های آنها بودند. به طور کلی معمولاً تعداد شخصیت‌های اصلی در سیتکام، زیاد نیست و بیشتر داستان هم پیرامون زندگی همین شخصیت‌ها می‌گذرد؛ آنچنان که در پاورچین نیز همه قصه حول یک خانواده می‌گذرد. داستان این مجموعه نمایشی درباره خانواده‌ای است که تعدادی از اعضای آن از روستای خیالی «برره» راهی تهران شده‌اند و وصلت آنها با خانواده مهتابی («فرهاد» با دختر خانواده «مهتاب» و «شادی» با پسر خانواده «سپهر») و البته ورود چند نفر دیگر از اعضای این روستای خیالی به داستان، ماجراهای جالبی را رقم می‌زند.

براساس گفت‌وگوهای منتشر شده، نویسندگان این مجموعه تلویزیونی در زمان نگارش قسمت‌های پاورچین تحت تأثیر سیتکام معروف دوستان بودند. سریال پاورچین که سال‌های ۸۱ و ۸۲ از شبکه پنج سیما (یا همان شبکه تهران) روی آنتن می‌رفت، به واسطه فضای متفاوتی که داشت و البته خلق موقعیت‌های کمدی جذاب مورد توجه ویژه مخاطبان قرار گرفت.

ساختمان پزشکان



«ساختمان پزشکان» از جمله سریال‌های ایرانی بود که در برخی رسانه‌ها با عنوان سیتکام معرفی شده بود و البته تقریباً می‌توان آن را در زمره سریال‌های سیتکام قرار داد. داستان این سریال درباره روان‌شناسی به نام نیما افشار است که همراه همسرش در همسایگی والدینش زندگی می‌کنند. زندگی حرفه‌ای و شخصی نیما هر بار درگیر اتفاقی تازه می‌شود و ساختمان پزشکان در واقع روایتی از این ماجراهاست. نیما از یک سو درگیر فشارهای مالی پرداخت اجاره خانه و مهریه همسر سابقش است و از سوی دیگر درگیر بیماری و سواس همسرش و رفتارهای غیرمعمولی والدین و برادرش. روال سریال‌های سیتکام بر این است که تعداد شخصیت‌های اصلی در این آثار، معمولاً زیاد نیست و بیشتر داستان هم درباره زندگی همین شخصیت‌ها می‌گذرد؛ ساختمان پزشکان نیز بیشتر از همه بر قصه زندگی نیما متمرکز است و در کنار روایت قصه او گاهی گریزی به زندگی برخی همکاران و اقوام او نیز زده می‌شود. هر چند روال قصه ساختمان پزشکان بر روایت قصه در محیط مطب دکتر نیما افشار و محیط خانه او پدرش است اما در برخی قسمت‌ها نیز قصه به بیرون از این محیط‌های بسته کشیده می‌شود که همین موضوع گاهی این سریال را از تعریف سیتکام دور می‌کند.

سیتکام‌های غیرتلویزیونی

حالا که بحث سیتکام‌های ساخته شده در تلویزیون مطرح شد، بد نیست اشاره‌ای به برخی سیتکام‌های غیرتلویزیونی نیز داشته باشیم. در میان سریال‌های ساخته شده در شبکه نمایش خانگی، دو سریال «عشق تعطیل نیست» و «مردم معمولی» در زمره سیتکام قرار می‌گیرند. عشق تعطیل نیست، اثری از بیژن بیرنگ بود که با الگوبرداری کامل از سیتکام معروف «دوستان» ساخته شد اما اختلاف نظرهای میان بازیگران با کارگردان اثر باعث شد تا پخش آن بعد از پنج قسمت نیمه‌کاره رها شود. با این همه فضای قصه سریال و دکور طراحی شده برای آن، عشق تعطیل نیست را تبدیل به یک سیتکام ایرانی کرده بود. «مردم معمولی» رامبد جوان که این روزها پخش آن در شبکه نمایش خانگی در جریان است هم از جمله سیتکام‌هایی است که خارج از رسانه ملی تولید شده است. این سریال داستان یک کلینیک زیبایی و یک آژانس مسافرتی است که توسط یک برادر و خواهر اداره می‌شود. اتفاقات پیش آمده در این دو مجموعه در کنار اتفاقات یک باشگاه فوتبال که پسر خاله آنها مدیریتش می‌کند؛ محور اصلی قصه این سریال است.

البته مردم معمولی در چند قسمت ابتدایی به قدری ضعیف ظاهر شد که سازندگان آن وادار به تغییر مسیر قصه شدند با این همه فیلمبرداری در محیط استودیویی و تمرکز قصه بر چند شخصیت اصلی آن در کنار تلاش برای خلق موقعیت‌های کمدی، مردم معمولی را تبدیل به یک سیتکام کرده است.

